

جوزف ایسکوری

تجارت برده و توسعه اقتصادی غرب

* تجارت خارجی برده از آفریقای جنوب صحرا بین قرون پانزدهم و نوزدهم، به معنی حمل و نقل ۱۹ میلیون نفر از این منطقه بوده است.



بنابراین سوال اصلی که این مقاله می‌کوشد به آن پاسخ می‌گوید این است که اقتصاد کشورها و مناطق مورد بررسی در آن مرحله حساس توسعه تا چه حد بر اثر تجارت برده شتاب گرفت یا از حرکت بازایستاد. این تحلیل مبتنی بر مفهوم لوایب پورهای تجارت بین‌المللی، در مقابل لوایب ایستای تحلیل کلاسیک است. (۴)

(این مقاله در مؤسسه، در شماره مارس و شماره آینده، به انتشار می‌رسد.)

حجم تجارت خارجی برده

یکی از نکات اساسی در پاسخ به سوال فوق، تعیین حجم تجارت خارجی برده از آفریقا در خلال دوره ۱۸۷۰-۱۹۵۱ است. این امر به معنی محاسبه تعداد کل برده‌هایی است که در خلال این دوره از آفریقای جنوب صحرا، از طریق صحرا، آلبانیوس اطلس، دریای سرخ و آلبانیوس هند به خارج منتقل شده‌اند. از نظر مطالعه بخش اروپایی آلبانیوس اطلس این کار ضروری است، چرا که (چگونگی) توسعه منابع لازم برای تجارت برده (در این منطقه) بخشی مهمی از تحلیل ما را تشکیل می‌دهد، و این توسعه باید در ارتباط با حجم برآورده‌شده تجارت برده که باعث اروپایی انجام شده است، مورد بررسی قرار گیرد. محاسبه حجم تجارت برده تا آنجا که به آفریقا مربوط

نواحی عمدی را که در آن مشارکت داشتند مورد بررسی قرار ندادند این کاری است که این مقاله می‌کوشد انجام دهد.

برای این منظور، تجارت خارجی برده از آفریقا بعنوان نوعی تجارت بین‌المللی در نظر گرفته شده که تأثیرات مستقیم یا غیرمستقیم آن بر کشورهای مناطقی که تجارت برده در آن رواج داشت از نظر اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است.

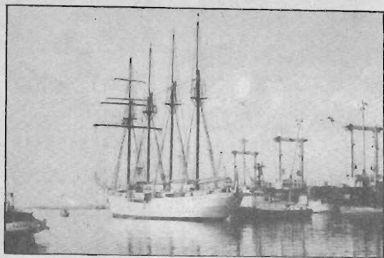
این مقاله اساساً بحث بر تحلیلی توسعه، در مقابل رشد، اقتصادی است. تمایز این دو مفهوم همیشه مورد توجه نوسندگان قرار نمی‌گیرد. رشد اقتصادی معمولاً براساس افزایش سالانه و مستمر درآمد سرانه کل جمعیت در یک کشور معین در یک دوره طولانی تعریف می‌شود. در حالی که توسعه اقتصادی به دگرگون کردن اقتصاد از یک مرحله سنتی، محلی، روستایی و منطقه‌ای به مرحله یک اقتصاد غلظی، تجاری، شهری و ملی، همراه با ایجاد نهادی مناسب برای مسکن کردن حرکت کارآمد عوامل تولید ارتباط پیدا می‌کند. این دگرگونی اغلب شامل تغییر ساختار اقتصاد از یک ساختار عمدتاً کشاورزی به یک ساختار عمدتاً صنعتی است.

در چهارچوب تحلیل روستو (Rostow)، توسعه به مراحل پیش از خیز و مخیزه (take off) تعلق دارد. در حالی که رشد اقتصادی متعلق به مراحل پس از خیزه است.

این مقاله آن مناطقی از آفریقا را بررسی می‌کند که تجارت خارجی برده، از طریق راههای صحرائی آفریقا، آلبانیوس اطلس، دریای سرخ و آلبانیوس هند، بر آن اثر گذاشته است. مناطق دیگری که مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از آمریکای شمالی و جنوبی، جزایر هند غربی و همه نواحی اروپایی محاور آلبانیوس اطلس، و نیز آن دسته از کشورهای اروپایی که فعالیت‌های کشورهای مجاور آلبانیوس اطلس بر آنها اثر داشته است.

از بعضی جهات، این تعیین محدوده مطالعه حاضر اختیاری است. به این معنا که برخی مناطق برده‌پذیر در دوره مورد نظر (۱۸۷۰-۱۹۵۱) و بویژه اقتصاد کشورهای خاورمیانه را در نظر می‌گیرد. (۲) از سوی دیگر، اثر تجارت برده بر اقتصاد هند، کشورهای مورد بررسی به یک اندازه نبوده است. در واقع اثر تجارت برده بر بعضی از این کشورها غیرمستقیم بوده است. با این حال، پوشش همین مناطق یادشده، تحلیل کلی تأثیرات تجارت برده بر اقتصاد کشورهای که این پدیده بر آنها تأثیر بالعمیق داشته است را ممکن می‌کند.

تجارت برده و برده‌داری موضوعی است که در باره آن از سده هجدهم تا امروز مطالب زیادی گفته و نوشته شده است. (۳) اما هیچ‌یک از این مطالعات، رابطه علی تجارت برده با توسعه اقتصادی (اعم از مثبت یا منفی) در کشورها تا



تجارت برده بر توسعه صنعت کشتی سازی انگلستان تأثیر اساسی داشت

می شود. می تواند به عنوان نقطه شروع مناسب برای تعیین تأثیرات جسمیتی این پدیده و پیرامون آن برای توسعه اقتصادی مناطق قاره ای در نظر گرفته شود.
اکثر نویسندگانی که به مسأله تجارت برده از راههای صحرای آفریقا و البانوس اطمینان پرداخته اند، ارائه برآوردهای در مورد کل تعداد بردگانی که از این طریق حمل شده اند را ضروری یافته اند. جدیدترین برآوردهای که در مورد حجم بردگان منتقل شده از طریق آلبانوس اطمینان وجود دارد توسط پرستور کورنیلین (۵) ارائه شده که مبتنی بر اطلاعات منتشر شده موجود است.

اما اخیراً مشخص شده است که برآوردهای وی عمراً محافظه کار و پایین تر از میزان واقعی است. (۶) هم اکنون تحقیقات زیادی در مورد برآوردهای کورنیلین تعداد بردگان صادر شده از آفریقا، از طریق تجارت متعلقه آلبانوس، در دست انجام است و شاید یک دهه و یا بیشتر طول بکشد تا بتوان نتایج این مطالعات را در شکل ارقام جهانی منتشر کرد. در تحلیل حاضر، ۹۶ میلیون برده که توسط پرستور کورنیلین ارائه شده، به عنوان کمترین حداقل تعداد بردگان منتقل شده از طریق تجارت متعلقه آلبانوس اطمینان، مورد استناد قرار گرفته است. این تعداد بعرفه آن تعداد بردگانی که از طریق آلبانوس شده اند اروپا حمل شده اند، در مجموع سهیم اروپا را از تجارت باخشی برده آفریقا، تشکیل می دهد.

تلاشی که اخیراً برای جمع بندی نتایج برآوردهای موجود در مورد تجارت برده در منطقه صحرای آفریقا انجام شده نیز نشان می دهد که تعداد کل بردگانی که برای پاسخگویی به تقاضای تجارت متعلقه صحرای، از منطقه آفریقای جنوب صحرای خارج شده اند، در خلال دوره ۱۹۱۰-۱۸۵۰ میلادی ۱۰ میلیون نفر بوده اند. توزیع این تعداد در زمان مورد بحث، نشان می دهد که در دوره مورد بررسی ما (۱۸۷۰-۱۸۵۰) کسی کمتر از ۶ میلیون نفر منتقل شده اند. (۷) این داده ها پشت تفسیری است و بعضی ها فکر می کنند که برآوردهای پیش از این در مقدار تجارت برده (۸) با این حال اگر ثابت فعلی رقم برده در مورد تجارت برده در منطقه صحرای آفریقا برآوردهی بالاتر از میزان واقعی است. برآوردهای تجارت برده از طریق آلبانوس اطمینان از حدودی چنان می شود.
در مورد تجارت برده از طریق آفریقای شرقی به درباری سرخ، شبه جزیره عربستان، خلیج فارس، هند و جزایر واقع در آلبانوس، عدد هیچ داده برآوردهای از تعداد کل بردگان منتقل شده در دست نیست.

اما با استفاده از اطلاعات موجود (۹) می توان بدون الحاق گنت که رقم کلی در این مورد، در کل دوره مورد بررسی، در حدود ۲ میلیون نفر است.
بنابر این تجارت خارجی برده از آفریقای جنوب صحرای بین قرون پانزدهم و نوزدهم، به معنی حمل لاقط ۱۹ میلیون نفر از این منطقه بوده است.

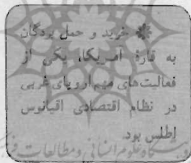
تجارت برده و گسترش تجارت بین المللی

خرید و حمل بیش از ۱۱ میلیون برده از آفریقا و فراموش کردن نسل برای آنان در نظام تولید سرمایه داری - که یکی از یک بازار جهانی تولید می کرد از یکسو و از سوی دیگر حمل و بازاریابی کالاهایی که توسط این بردگان تولید می شد، بخش مهمی از کار نقل و انتقالات اقتصادی جهانی را از نظر حجم، در خلال دوره ۱۸۷۰-۱۸۵۰ تشکیل می داد. برای باقی انداختن ارتباط میان این حجم عظیم نقل و انتقالات بین المللی و توسعه اروپای غربی، خواهریم کوشید به سولاتی زود، که از جهانی به هم مربوط هستند، پاسخ گویم:

۱. فراموش آوردن ماژورمات خرید و حمل بیش از ۱۱ میلیون برده تا چه حد به توسعه اقتصاد کشورهای غربی کمک کرد؟

۲. آیا رشد تجارت جهانی بین سالهای ۱۸۵۰ و ۱۸۷۰ بر روند توسعه اقتصادی در بخش اروپایی آلبانوس اطمینان قاره آمریکا تأثیر اساسی داشته است؟

۳. گسترش تجارت جهانی بین سالهای ۱۸۵۰ تا ۱۸۷۰ تا چه حد وابسته به تجارت برده بود؟
پیش از پاسخگویی به این سولات، باید نکاتی در باره تسمیه و تاریخ در داخل نظام آلبانوس اطمینان (Atlantic System) که تجارت برده و فرای آن در آن انجام می گرفت، ذکر شود. در این نظام، این فرولات از فعالیت اقتصادی از یکدیگر متمایز شده بود. تجارت و مالدیه، حمل و نقل، صنعت، معلق گشت سفارتی در بهره برداری های بزرگ، کشت تجاری محصولات غذایی در مزارع خصوصی متوسط و فروش نیرو کار اروپای غربی.



در تجارت مالدیه، حمل و نقل و صنعت تسلط کامل داشت. مناطق تحت سلطه پرتغال و اسپانیا به قاره آمریکا نیاز تا حدودی در تجارت و حمل و نقل او در مورد خدمت، برای مصارف داخلی و مملکت داشتند. اما وابسته اصل آنها در نظام آلبانوس اطمینان عبارت بود از استخراج معادن فلزات گرانبها و کشت سفارسی در بهره برداری های بزرگ. ایالات مرکزی و شمال شرقی آمریکای شمالی از همان دوران استعمار هم خود را مصروف تولید تجاری مواد غذایی برای صادر کردن به مزارع بزرگ جزایر هند غربی که بردگان آن بکار مشغول بودند، واردات و صادرات، کشتی سازی، مالدیه، کشتیرانی، تولید آلوم، مالدیگری و معدن صنعت، کردند. ایالات جنوبی عمدتاً در زمینه کشاورزی مبتنی بر بزرگ مزروع داری تخصص یافتند. در این مزارع بزرگ، بزرگ مزروع داری تخصص یافتند. در ابتدا توتون و سپس پنبه کشت می شد. کار اختصاصی جزایر هند غربی نیز کشاورزی مبتنی بر بزرگ مزروع داری بود و در آن مزارع (Plantation agriculture) بود و در آن مزارع

بزرگ، قندهار، به خصوص، نشک کشت می شد. در نظام آلبانوس اطمینان در واقع هیچگونه تولیدی بر عهده آفریقا قرار نداشت، کار کرد آفریقا به جمع آوری و فروش نیروی کار برده محدود می شد. در یک نگرش کل می توان گفت که تنها اقتصاد ایالات شمال شرقی آمریکای شمالی در نظام آلبانوس اطمینان، کار کردی نسبه به اقتصاد اروپای غربی داشت.

مشخصه ویژه کارکرد یک منطقه در نظام آلبانوس اطمینان، عامل اساسی در تعیین نوع تأثیراتی است که این سیستم در توسعه بعدی آن منطقه برجای گذاشت. تأثیرات مثبت فعالیت های مالدیه، تجارت، مالدیه، کشتیرانی، صنعت و تولید تجاری مواد غذایی در مزارع متوسط خصوصی بر توسعه اقتصادی بسیار بیشتر از کشاورزی مبتنی بر بزرگ مزروع داری بود. با این حال باید توجه داشت که مشخصات ویژه فعالیت اقتصادی مناطق مختلفه، دلایل تأثیرات مختلفی که این فعالیت ها بر امر توسعه اقتصادی گذاشته اند، با بطور کامل روشن نمی کند.

این جنبه با اهمیت است که آن مناطقی که عمدتاً کشاورزی مبتنی بر بزرگ مزروع داری در آن ها رواج داشتند، همان مناطقی بود که بملور چنانچه لوین عوامل خارجی تولید (۱۰) در آن ها، به وسیله ترین شکل بکار گرفته شده بود. در نتیجه، بخش بسیار بزرگی از کل درآمد تولید شده در بخش های از اقتصاد این کشورها که با منطقه آلبانوس اطمینان رابطه داشت به خارج منتقل می شد. این امر به خصوص در مورد جزایر هند غربی مصداق دارد. این نکته، علاوه بر نوع خاص کار کرد این اقتصادها، جایی برای توسعه داخلی خود عمدتاً که رشد فعالیت های تولیدی برای بازار جهانی را تشکیل می داد، نمی گذاشت. در مناطق آمریکای لاتین، عملکردی برخی از عوامل داخلی که نادره ای به کار اکثر اروپاییان ساکن در این مناطق و نهادهایی که آنان به همراه خود آورده بودند، ارتباط می یافتند. از تأثیرات مثبت کلی نظام آلبانوس اطمینان بر توسعه داخلی اقتصاد این مناطق باز هم می توانست. به این دلایل، نظام آلبانوس اطمینان عمدتاً بر توسعه اقتصادی در اروپای غربی و آمریکای شمالی تأثیرات مثبتی بجای گذاشت. خرید و حمل بردگان به قاره آمریکا، یکی از فعالیت های مهم اروپای غربی در نظام آلبانوس اطمینان بود این کار، مشغله بر رونق می داد. به سبب داشتن مهارت های تجاری زیاد، تربیتات بسیار پیچیده مالی، اصلاحاتی در تکنولوژی کشتی سازی و تولید انواع جدید کالاهایی بود که مناطق برده فرست آفریقای استوایی به آن نیاز داشتند. واکنش خلاق اقتصاد کشورهای اروپایی

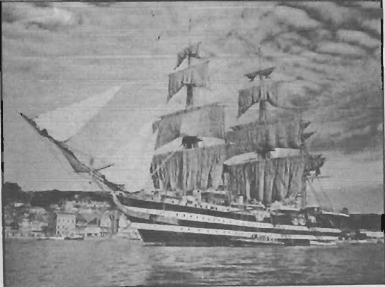
نقلش در بارهای سرمایه و محصولات عمل کرده (۱۸) سهم عمده نظام اقیانوس اطلس در این تحولات عبارت بود از عرضه شش های طلا و نقره که پشت موجب رشد مالات در تمام اروپای غربی شد و این امر نیز مشوق برای گسترش بخش بازار اقتصاد کشورهای اروپای غربی بود گذشته از این کمک، توسعه اروپای غربی در این مرحله تا حدود زیادی وابسته به منابع اروپایی بود اما محیط مساعدی که تحولات اولیه مذکور ایجاد کرد در تمام آسایش اقتصادی کشورهای اروپای غربی برای نشان دادن واکنش مناسب در مقابل محرک های خارجی ای که رشد تجارت جهانی از نیمه دوم قرن هجدهم به بعد فراهم کرد اهمیت دارد اینگونه بگوئیم این تحولات داخلی اولیه، آسایش اقتصادی کشورهای اروپای غربی را برای نشان دادن واکنش مناسب در مقابل محرک های خارجی نسبت از رشد نظام اقیانوس اطلس افزایش داد یک چیز است، اما گمان اینک تربیت نهادهای ناشی از این تحولات اولیه که در فاصله صد های هفدهم و هجدهم رخ داد و آن دگرگونی ساختاری بزرگی که در خلال این دوره در برعهده رخ داد و به انقلاب صنعتی موسوم شد. اجتناب ناپذیر بوده است گمانا چیز دیگری است. تبیین این تحولات و باید در امکانات و وسایل جدیدی که رشد تجارت جهانی فراهم آورد بود هست. وسایل و امکانات جدید از لیل، حمل و نقل منظم مقایسه عظیم ۱۷۴۴ در فرانس بسیار شگرفی داد و طریق دریاهای آزاد، تمهیل و توزیع مفاد زیادی از محصولات که از مکان های دور وارد می شد، تعقیب یافتن با نظام تجاری که در همه جای جهان گسترده شد بود در فرانسوی ایجاد شد برای توسعه منابع جدید منابع برای مسدود مواد خام که پیش از آن کمابند و گران و با اسامی مانند شکر، توتون، پنبه و غیره، ناموجود بود توسعه محصولات جدید در پایش به تقاضاهای وسیله های جدید و صرفه جوییهای مرمیاسی که تولید برای یک بازار جهانی مستعد یافت، امکان پذیر می کرد این عوامل نتوانند متعدد جهت موجب تشدید وضع تحولات نوامی و تشویقات اساسی ساختاری که در آمریکا در اروپای غربی وجود داشته شد همه این عوامل بر اثر رشد تجاری، جهانی در این دوره زمتی، بخار کنند تحولات تکنیکی و ابداعیات و نوآوریهای مربوط به این دوره تماما در اثر تلاش برای حل مشکلات عملی تولید برای بازار جهانی وسعت یافته ای، آرزوی، با به عرضه حیات گشتند و جنبه وسعت بخشید گرفت. این کمک یک تاریخ نگار اقتصادی بریتانیایی است که:

تجارت استعماری امکان کماجای جدید را در اختیار صنایع انگلستان قرارداد تا بتوانند مقادیر زیادی از مسدودات صنعتی، سهم از کالاهای بیسی، را به پارچهایی صادر کنند که در آنها سهم میانه تولید کالاهای صنعتی با کالاهای صنعتی اساسا مطرح نبود. فرایند صنعتی شدن از ربع دوم قرن هجدهم در انگلستان تا حدود زیادی پایش به تقاضای یاری که کمابند برای مربوط به ابداعیات استعماری در زمینه ساختن اسلحه آتشین، تیر، سیخ، ظروف حمل، مایعات، واگن های مسافری، ساعت، زمین مسیال، دکمه، قطب و هزاران چیز دیگر ایجاد کرده (۱۹)

این امر بود که تسرک تولید صنعتی بزرگ مقیاس در کلینت مطرح و در کشور ی که کوچک انگلستان سده های هفدهم و هجدهم، پی بهره از مواهب طبیعی و اجتماعی حدود ۴۰ میلیون نفر در اواسط قرن هجدهم و کمی پیش از آن میلیون نفر سال ۱۷۹۰ (۲۰)

ساخته های که برای صادر کردن کالاهای ساخته شده از آهن و در برابر هند، پارچه های نخی در مقیاس وسیع ایجاد شد دمشق حساس در با ساختن این صنایع ابداع کرد تا آنجا که در دگرگونی های، سرست، رشد این صنایع را اساسا تقویت داد.

تاریخ نگار اقتصادی فرانسوی در مطالعه ظروف اروپا بطور کلی وضعیت فرانسه بطور اخص می نویسد: توسعه هفدهم در این زمان اوضاع مرتبه، سده، شش اقیانوس اطلس در توسعه اقتصادی اروپای غربی تأیید تجارت خارجی و به خصوص تجارت با قاره آمریکا بهترین بخش اقتصادی بود (مثلا تجارت استعماری فرانسه بین سالهای ۱۷۶۴ و ۱۷۸۷



ده برابر شد و بخصوص تقاضای ایجاد شده در خارج، محرک رشد صنایع بزرگی از صنایع و نیز افزایش تخصص و تقسیم کار بود. به علت برتری حمل و نقل دریایی بر حمل و نقل زمینی، اقتصاد اروپا در قرن هجدهم حول محور تعدادی از شهرهای بندری سازمان می یافت که بر وقت ترین آنها، نیویورک بود از دلیل باساز بود که پیشین سهم را در تجارت اروپا و گسترش استعماری داشتند و هر یک از آنها صنایع، بلکه منتقله صنعتی خود را در مسیر روخوانی که این کشور را خروج از مرزها داشتند و در حقیقت خاطرنشان می کند که اگر با آمریکایی کردن تجارت و صنعت پیش از همه در میان کشورهای مانند بریتانیایی، کبیر، فرانسه، هندو اسپانیا رواج

فعالیت های اقتصادی مربوط به این سهم عبارت بود از: حمل و نقل با کشتی و سایر خدمات بازرگانی که توسط مهاجرین های شمال شرقی، آمریکا، شمار به هزار حد غربی و اروپای جنوبی عرضه می شد صادرات مواد غذایی، و ابزار از مهاجرین های مرکزی و شمال شرقی به آسیا و هند غربی و اروپای جنوبی و صادرات توتون، برنج و سایر محصولات کشاورزی از مهاجرین های جنوبی به بریتانیا و سایر کشورهای اروپایی از تحلیل آن بخش از اقتصاد آمریکا نشان می که با استعمار ارتباط داشت چنین نتیجه می شود که:

افزایشی که مدن است تجارت و فعالیت در بازارهای خارجی بخش عمده ای از کل فعالیت های اقتصادی استعماری را تشکیل داده است، اصعب بازار خارجی در پیوسته تحسین به امر تخصص منابع بود. استقلال ما این است که در حالیکه کشاورزی معیشتی بخش مهمی از درآمد آنها در دوره استعمار تولید می کرد و بخش اساسی درآمد متوسط سراسر می داد، تفسیر در ۱۸۰۰ ها به پیوسته شرایط رفاهی عمدتا ناشی از تجارت خارجی و سایر فعالیت های در ارتباط با بازار بود. به تنها افزایش بارهای در دوره اول ناشی از فعالیت های در ارتباط با بازار بود، بلکه اکثری تولید و امکان نیز بوسیله نیروهای بازار تعیین می شد. این اثر که به استعسکی و بطور نامورون دستنویس تفسیر شد و از راههای امن و مراکز توزیع مجاور اقیانوس اطلس به سرزمین های داخلی اروپا گسترش یافت.

مقدماتی کالاهای ایران

از جانب تجار اروپا مشوق رشد

صنایع بزرگ مقیاس در مناطق

«ناشته» روان و «موت پنبه» در

قرن هجدهم بوده است.

*** در دوره ۱۸۶۰ -**

۱۷۹۰ صادرات شبه از ایالات

جنوبی، مهمترین عامل در

رشد و توسعه اقتصاد ایالات

متحدہ بود.

داشت که صاحب بانک امپراتوری استعماری آمریکا اثرات آن کشورهای بیشتری را بر پر می گرفت که صنعتی سازی نشانند، اما قادر بودند کالاهای خود را بویژه از طریق کانالیز آمریکا فرستند که این ترتیب پارچه های کتان و وسایل غذاخوری و سخت افزارهای الهی توانستند به بازارهای بخش اسپانیایی قاره آمریکا و جزایر هند غربی راه یابند.

در مورد آمریکایی کشتی نشان داد، شده است که در دوره استعمار، سهمی از کل فعالیت اقتصادی که در تولید برای بازارهای خارجی اختصاص می یافتند در اوایل قرن هجدهم بطور نسبی زیاد بود در حدود یک پنجم کل تولید و اگر چه سهم در طول قرن گذشت، باقی مانده است در دوره ۱۷۸۴-۱۷۸۷ هنوز هم در حدود یک ششم کل تولید بود.

فرانسوی در ۱۷۹۰، نورت نشان داده است که در دوره ۱۷۸۰-۱۷۹۰ صادرات شبه از ایالات جنوبی، از آنجا که بخش خود را به تولید پنبه برای صادرات اختصاصی می دادند منجر بودند مواد غذایی مورد نیاز خود را از تولید کنندگان غرب آمریکا خریداری کنند این امر امکان در نوامی غربی آن کشور و تخصص شدن تولید مواد غذایی در آن را تسهیل کرد ایالات جنوبی همچنین مجبور بودند برای استفاده از خدمات حمل و نقل، مانی و سایر خدمات بازرگانی به ایالات شمال شرقی سفر کنند در آمدهای حاصل از تولید پنبه برای صادرات، صرف خرید مواد غذایی تولید شده در غرب و تهیه خدمات ارائه شده توسط ایالات شمال شرقی، می شد پنبه ای را برای تولید صنایع جاکتی در واردات در ایالات شمال شرقی آمریکا ایجاد کرد، و به این ترتیب ایالات شمال شرقی بتدریج از صادر کنندگان پنبه و عرضه کنندگان صنعتی و درانی به ایالات غربی و جنوبی آمریکا به تولید صنایع داخلی از محصولات باقی مانده صرف کنندگان در جنوب غربی و غرب و نیز مصرف کنندگان در خود ایالات شمال شرقی تبدیل شدند و از پنبه جنوب بعنوان بخشی از نهادهای لازم برای صنایع خود استفاده کردند. این تصمیمی شد که در دوره ای تولیدی که اساسا پنبه بود بر تولید پنبه در جنوب برای صادرات، ایجاد صنایع بزرگ مقیاس را در دوره

